

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام ۲۵

آداب مراسم عروسی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، والعاقبه للمتقين،
ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين
على آله و صحبه اجمعين.

اسلام با شريعت كامل و فراگيرش، به خاطر اهداف مهم و ارزشمندی، همچون مشاركت شخص مسلمان در مراسم شادی و سرور و حضور در جشن های اقشار مختلف جامعه به تدارك غذای عروسی امر کرده، تا طیفهای مختلف مردم گرد هم آیند و دوستان و نزدیکان و اهالی یک محل یا روستا دور هم جمع شوند و با صرف غذا، الفت و اخ و ت اسلامی بین آنها قوی تر شود.

بدیهی است که در چنین جشنی که همه در کنار همدیگر، اجتماع می کنند، اهداف شارع مقدس که از وضع چنین مجالس و مراسمی، در صدد تحقق آن است، برآورده می شود و از این رهگذر رابطه برادری و وحدت و یکپارچگی بین افراد جامعه مستحکم تر خواهد شد. [ولیمه: غذایی است که به مناسبت جشن شادی و مراسم عروسی تدارك دیده می شود که اصطلاحاً سور هم نامیده می شود].

حکم ولیمه بین فقهاء از مسائل اختلافی است، در نظر بعضی از ایشان واجب و نزد عده ای دیگر سنت است، اما اکثریت فقهاء ولیمه دادن در مجلس عروسی را سنت (مستحب) می دانند.

۱- آدابی که در ولیمه باید رعایت شود.

الف - اینکه شخص ولیمه دهنده در صورتی که داراست با یک گوسفند یا بیشتر غذای عروسی را تهیه نماید. در این باره شیخین از انس رضی الله عنه روایت کرده اند که گفته: «پیغمبر صلی الله علیه وسلم به مناسبت ازدواج با زینب دختر جحش طعام و مهمانی ترتیب داد که برای هیچ یک از همسرانش مانند آن تدارك ندیده بود و گوسفندی را برای این مراسم ذبح نمود».

ب - چنانچه ولیمه دهنده دارا نباشد، جایز است هر غذایی که برایش فراهم است، ولیمه عروسی بدهد، اگرچه آن طعام بدون گوشت باشد. شیخین در این مورد حدیثی از انس روایت کرده اند که گفته: «پیامبر صلی الله علیه وسلم در فاصله خیبر و مدینه جهت تدارك عروسی با صفیه، سه روز درنگ فرمود، من مردم را به ولیمه ایشان دعوت کردم. ولیمه ای که از گوشت و نان خبری نبود، بلکه سفره ای چرمی بود که در آن خرما، پنیر و روغن وجود داشت که مردم از آن سیر خوردند».

ج - مقصود صاحب مجلس از ولیمه دادن تبعیت و پیروی از روش و سنت رسول گرامی اسلام در اکرام مهمانان و طعام خوراندن به انسانهای خوب باشد. دلیل ما حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «جز با انسان مؤمن دوستی مکن و جز به انسان پرهیزگار و منقی طعامت را مخوران.» [ابوداود، ترمذی، حاکم]

د - جایز نیست که دعوت شدگان فقط از اغنیاء و ثروتمندان باشند و فقراء دعوت نشوند. بنابر حدیثی که

«مسلم و بیهقی» از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند، فرمودند: «بدترین غذا، غذای ولیمه‌ای است که تنها ثروتمندان به خوردن آن دعوت شوند و فقیران در آن شرکت نداشته باشند، و کسی که دعوت مراسم را قبول نکند - مراسم مشروع - از امر خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم سرپیچی کرده است».

هـ - در صورتیکه داماد یا خانواده‌اش ثروتمند باشند و برایشان میسر باشد، اشکالی ندارد که در سه روز بعد از عروسی مردم را طعام دهند، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم این کار را انجام داده‌اند، دلیل ما حدیثی است که ابویعلی با سند خوب از انس روایت کرده که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم با صفیه ازدواج کرد و آزادیش را مهریه ایشان قرار داد و سه روز بعد از عروسی مردم را ولیمه داد.»

و - واجب است که داماد و کسانی که غذای عروسی را تدارک می‌بینند، از هر عمل نامشروع و رفتار ناپسند که شریعت آن را منکر دانسته خودداری کنند. مانند اختلاط زنان و مردان نامحرم، آواز خواندن، خوانندگان با اسباب و آلات طرب، گذاشتن جام شراب بر سفره و فراهم نمودن بساط منقل و بافور ...

۲- آیا بر شخص دعوت شده، واجب و ضروری است که دعوت را اجابت نماید و در مراسم شرکت کند؟

کسی که برای ولیمه دعوت شده، واجب است که حاضر شده و در مراسم عروسی شرکت کند. دلیل ما حدیثی

است که بخاری از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده که حضرت فرمودند: «اسیران را آزاد کنید، دعوت را اجابت کنید و مریضان را عیادت نمایید.»

همچنین «شیخین» و دیگران از حضرت رسول صلی الله علیه وسلم روایت نموده‌اند که «هرگاه یکی از شما برای صرف غذا در مراسم عروسی دعوت شد، باید در آن شرکت کند و کسی که دعوت را قبول نکند از فرمان خدا و رسولش، سرپیچی نموده است.»

این حدیث دلیلی است بر اینکه اجابت دعوت واجب است. چرا که لفظ [عصیان] که در حدیث شریف آمده جز بر ترک امر واجبی اطلاق نمی‌شود.

حتی اگر شخص دعوت شده به ولیمه، روزه نفل داشته باشد و به سبب عدم شرکتش در ولیمه، صاحب مجلس از او ناراحت و دلخور شود، بهتر است که روزه‌اش را بشکند و بر غذای عروسی حاضر شود، در این مورد از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: «هر کس از شما برای خوردن طعام دعوت شد واجب است در آن شرکت کند، پس اگر روزه نداشت طعام بخورد و چنانچه روزه‌دار بود [روزه نفل] باید افطار کند [و عوضش بعداً روزه بگیرد].»

آنچه به ما اجازه داد تا روزه نفل را افطار کنیم، حدیثی است که «حاکم و بیهقی» از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت نموده‌اند. شخصی که روزه مستحب گرفته، اختیار دارد، اگر می‌خواهد روزه‌دار باشد و اگر هم می‌خواهد، افطار نماید. لکن بنابر مذهب برادران احناف

اگر شخصی روزه مستحبی را خورد، واجب است قضایی آن را روزه بدارد.

۳- آداب اجابت دعوت

الف - از جمله آداب دعوت این است که مدعو، قصد شادی و سرور در مراسم و حضور برای ولیمه و شریک شدن در فرح و خوشی میزبان داشته باشد، چنانچه «طبرانی» با سند حسن در کتابش از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمودند: «کسی که برادر مسلمانش را با آن چیزی که دوست دارد ملاقات نماید تا او را شادمان سازد، خداوند در روز قیامت او را مسرور و شادمان خواهد ساخت.»

ب - مستحب است در مناسبت ولیمه [که افراد مسلمان و مؤمن جمع می‌شوند برای خوشبختی زوجین دعای خیر و برکت کرده و به آنها تبریک و تهنیت بگویند. بهتر است برای دعای خیر، این ادعیه مأثوره را بخوانند]:

«**بارک الله و بارک علیکم، و جمع بینکما فی خیر**» [ترمذی]

«خدا برایت برکت دهد، مبارکت باشد و پیوندتان را به خیر گرداند.»

«**اللهم اغفر لهم وارحمهم و بارک لهم فی ما**

رزقتهم» [مسلم]

«خداوند! ایشان را مورد رحمت و مغفرت خود قرار ده، و در رزق و روزی آنها برکت بخش.»

«**اکل طعامکم الابرار، وصلت علیکم الملائکه و**

افطر عندکم الصائمون»

«نیکان بر سر سفره شما بنشینند و ملایک بر شما درود بفرستد و روزه‌داران نزدتان افطار کنند.» [امام احمد]

ج - از خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره باید خودداری کنند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: «در ظروف طلا و نقره ننوشید و در کاسه و بشقاب طلا و نقره نخورید.» [بخاری و مسلم]

همچنین «شیخین» از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند که فرمود: «کسی که در ظروف طلا و نقره بخورد یا بیاشامد، آتش جهنم را در درون خود شعله‌ور می‌سازد.»

د - چنانچه در مراسم ولیمه، معصیت و منکری مشاهده کند و توان تغییرش را نداشته باشد باید از شرکت در آن خودداری کند. زیرا «بیهقی» از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که: «مردی برای او [ابن مسعود] غذایی آماده کرد و او را به خوردن آن دعوت کرد. ابن مسعود در منزل میزبان مجسمه‌ای مشاهده کرد، لذا از رفتن به خانه امتناع ورزید تا اینکه میزبان مجسمه را شکست، سپس داخل شد.»

و ابن‌ماجه از عایشه رضی الله عنها روایت نموده که فرمود: «غذایی آماده کردم و رسول خدا صلی الله علیه وسلم را دعوت نمودم، حضرت تشریف آوردند، ولی چون در خانه تصاویری مشاهده نمودند، برگشتند.»

ابوالحسن حربی از امام اوزاعی روایت نموده که گفته: «در مراسم ولیمه‌ای که آلات طرب و موسیقی و دهل باشد، حاضر نمی‌شویم.»

هـ - در تبریک و تهنیت گفتن به عروس و داماد از به کار بردن عبارات جاهلیت پرهیز کنید، چنانچه در جاهلیت

می‌گفتند: «**بالرفاء والبنین**» زندگی مرفه و اولاد داشته باشی. در این مورد «ابن ابی شیبه و نسایی» از امام حسن روایت نموده‌اند که گفته عقیل بن ابوطالب با زنی از قبیله جشم ازدواج نمود و اقوامش برای تبریک‌گویی به دیدارش می‌آمدند و می‌گفتند: «**بالرفاء والبنین**».

حضرت رسول صلی الله علیه وسلم از گفتن این تبریک نهی فرمودند، گفتند: پس چه بگوییم ای ابایید؟! فرمودند: بگوئید: «**بارک الله لك و بارک عليك**» «خداوند به شما برکت دهد و بر شما مبارک گرداند» به راستی که تبریک‌گویی این گونه به ما دستور داده شده است.

۴- مساعدت و مشارکت کسانی که تهگن

مالی دارند در تهیه ولیمه

کسانی که از وسیع مالی و وضعیت مادی بهتری برخوردارند، مستحب است که جهت اظهار شادمانی و شرکت در خوشی و شادمانی مراسم عروسی، و نیز همکاری در تأمین مخارج و هزینه برگزاری مراسم و محکم نمودن رابطه محبت و برادری در خرج و مخارج، داماد را یاری دهند. چنانچه «شیخان» در مورد کیفیت ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم با ام‌المؤمنین صفیه روایت نموده‌اند که انس گفته: «در سفر بودیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم با صفیه ازدواج کرد، او را به ام‌سلیم سپرد ایشان را آرایش کرده و آماده ساخت و شب هنگام او را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آورد، حضرت شب تا صبح با ایشان سپری نمود و صبحگاه فرمودند: «هرکس آنچه غذا و خوردنی همراه دارد بیاورد»، (انس می‌گوید:)

سفره‌ای چرمی پهن شد، هر کس چیزی آورد، پنیر و روغن و خرما در سفره گذاشته شد. از مجموع، غذایی آماده شد، سپس شروع به تناول نمودند و از آب حوضهایی که کنارشان بودند، می‌نوشیدند، این بود ولیمه عروسی رسول خدا صلی الله علیه وسلم.

در روایت صحیح ثابت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم بعد از اینکه دخترش فاطمه‌لرا به ازدواج علی رضی الله عنه درآورد به او گفت: «ای علی! برای عروسی سوری لازم است»، حضرت سعد که آنجا حضور داشت گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم من قوچی در خانه دارم و جمعی از انصار چند صاع ذرت آوردند، وقتی شب عروسی شد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چیزی نساز تا مرا ملاقات کنی» سپس رسول خدا صلی الله علیه وسلم آب خواست و وضو گرفت بعد از آن آب وضو را بر بدن علی علیه السلام پاشید و فرمود: «**اللهم بارک فیهم، و بارک لهما فی اینائهما**».

تفریحات روز عروسی:

بر انسانهای فهیم و با بصیرت روشن است که شریعت اسلام، سرگرمی‌ها و تفریحات حلال و متنوع را برای پیروان خویش مباح کرده و اشکال متعدد از ورزش‌ها و مسابقات را مباح نموده است. از جمله تیراندازی، اسب‌سواری، شنا، کشتی، مسابقه دو، شکار و ورزش‌های بدنی و تمرینات جهادی.

هدف شرع اسلام از وضع این ورزش‌ها و تفریحات سالم، نشاط روحی و جسمی مسلمانان است. تا در ادای وظایف

و مسؤولیت‌های خود، توانا باشند و کاربرد تجهیزات جنگی را بیاموزند و نیرومند و قوی گردند. از جمله این تفریحات که دین اسلام آن را برایمان مباح داشته و تشویق نموده، سرگرمیهای سالم و تفریحات رواست در جشن‌های عروسی و شب‌های ازدواج. البته در چهارچوبی که شریعت مجاز دانسته. آنچه شریعت مقدس در مراسم عروسی مباح دانسته، عبارتست از:

الف - دف زدن در مراسم عروسی که مخصوص زنان و در بین خود آنهاست بدون حضور مردها و فیلمبرداری و عکاسی.

ب - خواندن سرودها و آوازهایی که منافی اخلاق نباشد چه در میان زنان و چه در میان مردها باشد.

دف زدن در مراسم عروسی - حضرت عایشه رضی الله عنها از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت کرده که ایشان فرمودند: «نکاح را علنی و [مراسم] آن را در مساجد [در حضور مردم] برگزار کنید و دف بزنید.» روایت ترمذی و همچنین محمدبن حاطب روایت کرده که فرمودند: «آوازخوانی و دف‌زنی در مراسم ازدواج فرق بین حلال و حرام است.»

اما اباحت آوازخوانی در مراسم عروسی و مجالس شادی دیگر:

«طبرانی» و «ابن ماجه» از عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که وی یکی از دختران یتیم انصار را به عقد یکی از مردان انصار درآورده و عروس را تا خانه شوهرش

همراهی کرد. عایشه (رضی الله عنها) فرمود: وقتی نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم برگشتم، پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند: آیا چیزی هم گفتید [در روایات دیگر آمده که آیا با او آوازخوانی فرستادید؟] گفتم: او را به خانه‌اش بردیم و تبریک گفتیم و برگشتیم، پس فرمودند: ای عایشه! انصار قومی غزل‌دوستند [و از سرگرمی و تفریحات خوششان می‌آید] این ابیات را نخواندید؟!

**انهاکم انهنک فح وئا بح یرکم
ولولا الحبۃ السمر اء ما حللنا بواء
و لو لا الذهب الأحمر ما سمت عذار یرکم**

ما نزد شما آمدیم، به ما خوشامد بگوئید، ما هم به شما خوشامد می‌گوییم اگر دانه‌های گندم نمی‌بود به سرزمین شما نمی‌آمدیم، و اگر طلای سرخ نمی‌بود دختران شما چاق نمی‌شدند.

مهمترین بدعت‌ها و منکرات جشن‌های عروسی:

- یکی از اعمال زشت و منکر و حرام مراسم شادی، تماس و اختلاط زنان و مردان نامحرم است، خصوصاً در جشن‌های عروسی و موقعی که عروس را در نهایت جمال با زیبایی و آرایش جذاب و فتنه‌انگیز نزد داماد می‌برند در حالی که فامیل و خویشاوندان داماد [مانند برادر، عمو، دایی و ...] آنها را همراهی می‌کنند، که با عروس خانم محرم نیستند که امکان دارد این کار باعث تحریک غریزه و باز شدن راه فتنه بر مردان و زنان شود و عواقب نامطلوبی را به دنبال داشته باشد، لذا پیامبر اکرم

صلی الله علیه وسلم شدیداً مسلمانان را از این امر برحذر داشته آنجا که می‌فرماید: «از رفتن پیش زنان خودداری کنید» شخصی از انصار گفت: ای رسول خدا! اقوام نامحرم شوهر زن (مانند برادر و عموزاده و ...) چطور هستند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خلوت کردن با نزدیکان شوهر خطرناک و موجب مرگ و هلاکت است». در بخاری و مسلم و نیز از قول اسامه‌بن زید آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بعد از من هیچ فتنه‌ای برای مردان زیانبارتر از فتنه زنان نیست» [بخاری، مسلم و اصحاب سنن]

«طبرانی» از ابی‌امامه رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از خلوت کردن با زنان (بیگانه) بپرهیزید، جز این نیست که هیچ مردی با زنی خلوت نمی‌کند، مگر شیطان سومین نفر آنهاست. و اگر مردی با خوکی آلوده به پلشتی و کثیفی برخورد کند، بهتر است از اینکه بدنش با زن نامحرمی تماس پیدا کند.»

- از دیگر منکراتی که در جشن‌های شادی و عروسی‌ها انجام می‌گیرد، آوردن زنان آوازخوان و رقاصه‌ها است که صاحبان مجالس از آنها دعوت می‌کنند تا در خانه‌های وسیع و یا سالن‌ها و تالارهای بزرگ که به همین منظور ساخته شده‌اند و اجازه داده می‌شود، مراسمشان را با رقص و پایکوبی همراه ترانه خواندن اجرا نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از این گونه مراسم و این چنین شادی‌ای، نهی کرده‌اند. چنانکه ابن‌عساکر در

تاریخش و ابن صقری در امالی اش از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده اند که فرمود: «هرکسی در مجلس ترانه‌ی آوازه‌خوانی بنشیند و یا به تماشای رقاصه بپردازد، خداوند در روز قیامت در گوش هایش سرب مذاب می‌ریزد.»

همچنین در روایتی از ترمذی به نقل از علی رضی الله عنه آمده است: «آنگاه که امت من مرتکب پانزده عمل ناشایست شوند، بلا بر آن نازل خواهد شد.» که یکی از آنها «آوازه‌خوانی و رواج آلات موسیقی است.»

- ترانه خواندن با موسیقی و آلات لهو و لعب که توسط مردان و زنان آوازه‌خوان در مجالس سرور و شادی مرسوم است، یکی دیگر از جمله منکرات این مراسم می‌باشد. حدیثی که از «احمد بن حنبل» روایت شده است آمده است که پیامبر خدا فرمود: «پروردگار مرا به عنوان رحمت و برکت جهانیان فرستاد و امر نمود که تار و فلوت و شراب و بتها را نابود سازم.»

و نیز در روایت «بخاری و احمد» آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از امت من، اقوامی خواهند آمد که زنا را حلال می‌کنند و پارچه حریر را [برای مردا] و شراب و ترانه‌ها را مباح می‌دانند.»

- عیاشی و خوشگذرانی، تن‌آسایی و اسراف در لباس مانند پوشیدن لباس‌های گران‌قیمت و پرزرق و برق [که معمولاً به مد روز معروف است و برای شهرت‌طلبی و

تفاخر و چشم و هم‌چشمی بر تن می‌کنند] نمونه‌های دیگری از منکرات این مراسم می‌باشد که شریعت از آن نهی فرموده است، زیرا اسراف و تبذیر می‌باشد و شرع مقدس اسلام از تبذیر و اسراف نهی کرده. چون شخصی که مرتکب این منکرات می‌شود، در واقع گرفتار عجب و خود بزرگ‌بینی می‌شود. در این مورد، ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس که به قصد تظاهر و خودنمایی لباسی بپوشد، در روز قیامت خداوند لباس ذلت بر او می‌پوشاند.»

[ابوداود، احمد و ابن‌ماجه]
و شیخین از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده اند که فرمود: «کسی که لباس بلند را به عنوان غرور و تکبر بپوشد، در روز قیامت مشمول عنایت و توجه خداوند متعال نخواهد بود.»

لذا دین اسلام به شخص مسلمان امر می‌کند که در تمامی امورات زندگی، اعتدال و میانه‌روی را پیشه کند، و از آن جمله اعتدال در پوشش، غذا و مسکن است. این اصل [اعتدال و میانه‌روی] برگرفته از کلام الهی است، آنجا که می‌فرماید: «و (بندگان خوب خداوند) کسانی‌اند که به‌هنگام خرج کردن (برای خود و خانواده) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل) حدّ میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند.» (فرقان: ۶۷).

- نمونه دیگر از منکرات این گونه مجالس، تشبّه و تقلید زنان مسلمان به رقاصه‌های بدکار و فاحشه است. زنان مسلمان با تقلید از رقاصه‌های خلافکار و فاسد و بدکاره به سبک آنها رقص و پایکوبی می‌کنند و پوشش و پستانهای برجسته خویش را به طرز وقیحانه‌ای به نمایش می‌گذارند.

و نیز مردانی که خصوصیات مردانگی را نادیده گرفته و بصورت زن خود را جلوه می‌دهند و در اشاعه فحشاء و بی‌بندوباری و برانگیختن هواهای نفسانی و شهوانی و زیرپا گذاشتن فضائل اخلاقی مانند زنان بدکاره عمل می‌کنند.

«ترمذی» از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت کرده که می‌فرماید: «کسی که خود را به غیر ما «مسلمانان» شبیه سازد از ما نیست، پس خود را به یهود و نصاری شبیه نسازد.»

«احمد» و «ابوداود» از ایشان نقل کرده‌اند که: «کسی که خود را مانند قومی نشان دهد، جزو آن قوم محسوب می‌شود» و نیز فرموده: «خداوند مردانی را که خود را شبیه زنان کنند و زنانی که خود را شبیه مردان سازند، لعنت کرده است.» [بخاری و ترمذی]

- یکی دیگر از این منکرات، پوشیدن لباس کُفّار و درآمدن به شکل و قیافه منحرفین اخلاقی و بی‌بندوبارهاست. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم عبدالله بن عمرو بن العاص را دید که دو تکه لباس زرد پوشیده است، پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«این لباس، لباس کافران است آن را نپوش». گفت: آنها را می‌شویم! حضرت فرمود: «بلکه آتششان بزن».

در صحیحین آمده است که عمر بن خطاب رضی الله عنه نامه‌ای به مسلمانان مقیم سرزمین ایان نوشت و به آنها سفارش کرد که «از خوشگذرانی، رفاه‌طلبی، غرق شدن در تنعم و رسم و رسوم مشرکین، برحذر باشید». و در روایت دیگر آمده است که فرمود: «خوشگذرانی و رسوم بیگانگان را رها سازید».

- از منکرات این گونه مراسم جشن و سرور، اعمالی است که زنان به منظور زینت و زیبایی خویش جهت شرکت در این مراسم مرتکب می‌شوند، زنانی که برای باریک نمودن ابوهای خویش، موهای آن را می‌کنند و موهای صورت خود را برمی‌دارند و موی دیگران را به موی خود پیوند می‌دهند و به مانند مردان موهای سر خود را کوتاه کرده برای خود کاکل درست می‌کنند و زنانی که موهای سر خود را مانند کوهان شتر، برآمده می‌کنند. و همچنین مردانی که موهای خود را بلند نگه می‌دارند و آن را بر شانه‌ها بمانند زنان رها می‌کنند.

کندن و برداشتن موهای ابروان و صورت از تزئینات حرامی است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم مرتکب آن را، لعنت کرده است. در حدیثی که شیخین روایت کرده‌اند آمده است که: «پیامبر لعنت کرده است کسانی را که خال بر بدن دیگران می‌کوبند و کسانی که خال بر بدنشان کوبیده می‌شود و لعن نموده است زنانی که موی ابروان دیگران را می‌کنند و زنانی که موی ابروانشان

برداشته می‌شود. و زنانی که به‌خاطر زیبایی و جوان و نشان دادن خود بین دندانهایشان فاصله می‌اندازند و آنها را بازیک می‌نمایند و زنانی که خلقت و فطرت خدایی را تغییر می‌دهند».

در مورد وصل و پیوند دادن مو، حدیثی است که شیخین از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت کرده‌اند که فرمود: «همه کسانی که موها را وصل کنند (واصله) و همه کسانی که این موها به سرشان وصل می‌شود (مستوصله)، از جانب خداوند لعن و نفرین شده می‌باشند».

اما زنانی که موهای خود را مانند مردان کوتاه می‌کنند و مردانی که موهای خود را مثل زنان دراز می‌گذارند، بنا بر حدیثی که «بخاری» و «ابوداود» روایت نموده‌اند مشمول فعل حرام و لعن رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌شوند. «رسول خدا صلی الله علیه وسلم» مردانی را که بصورت زنان خودنمایی می‌کنند و زنانی که خود را

به‌صورت مردان نشان می‌دهند، لعنت کرده است. لکن کوتاه نمودن موی سر تا بناگوش بدون قصد تشبه به مردان اشکالی ندارد، دلیل ما حدیثی است که «مسلم» از قول عایشه رضی الله عنها روایت نموده که «زنان رسول خدا صلی الله علیه وسلم موهای خود را تا نرمه گوش کوتاه می‌کردند.» یعنی کوتاه کردن موها تا بناگوش به اندازه‌ای که از آنها بلندتر نباشد.

در مورد حرمت فعل زنانی که موهایشان را به شکل کوهان شتر در می‌آورند، حدیثی است که «مسلم» از قول ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر صلی الله

علیه وسلم فرمودند: «دو دسته از مردمان از اهل دوزخ می‌باشند که نظیر آنها را ندیده‌ام؛ یکی از آنها جماعتی که تازیانه‌هایی در دست دارند که به دُم گاو شباهت دارد و مردم را با آن تازیانه‌ها کتک می‌زنند [اشاره به قدرتمندان و حکام ظالم است که دشمن بشیرتند] و دسته دوم: زنانی

هستند که هرچند به ظاهر لباس پوشیده‌اند ولی در حقیقت عریان می‌باشند، دیگران را فریفته می‌کنند و خود فریب می‌خورند و موهای سرشان را در یک جا جمع می‌نمایند که به کوهان شترها شبیه می‌باشد. اینها داخل بهشت نخواهند شد و حتی بوی بهشت را که از مسافت پانصد سال به مشام می‌رسد، نیز استشمام نخواهند کرد». آنچه بیان نمودیم، مهمترین بدعات و منکراتی بود که در مجالس عروسی از جانب کسانی که خود را منتسب به اسلام می‌کنند و خودشان را به اصطلاح مسلمان می‌نامند، مشاهده می‌شود.

لذا وظیفه هر مسلمان و مؤمن با غیرت است که از این منکرات در شبهای عروسی و زفاف خویش اجتناب نماید، اگر می‌خواهد که روز قیامت با انبیاء، صدیقین و شهدا و صالحین که بهترین رفقاء هستند محشور شود، لازم است که چنین باشد.

گونه‌های مباح تفریحی و سرگرمی از نظر اسلام در مراسم عروسی

اما برادر و خواهر مسلمانم در اینجا نمونه‌هایی از سرگرمی‌ها و تفریحات مباحی که دین اسلام مقرر نموده،

عرض می‌نماییم تا اگر خواستید، می‌توانید در مراسم عروسی و شادی از آن استفاده نمایید.

-آوازه‌خوانی و اجرای سرود با لحن و آهنگ به‌شرطی که مضمون آن از زشتی و دشنام عاری باشد و همراه ساز نباشد.

-آوازه‌خوانی و ترانه‌سرایی همراه با دف ساده و به‌دور از آلاتی که به دف می‌آویزند. (مخصوص زنان)

-خودآرایی و زیبائیمی که بعضی خانمها در مراسم شادی، سر و وضع خود را مرتب و منظم می‌نمایند در صورتی که معتدل باشد و مکان، زنانه باشد که نامحرم حضور نداشته باشند، اشکالی ندارد.

-آرایش و زینت با وسایل آرایشی جدید به نحوی که تشبیه به کفار و فاسقین و منحرفین نباشد، ایرادی ندارد.

-مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی، نیزه‌پرانی و شمشیر چون اینها شیوه‌های آموزش شجاعت، قهرمانی و دلیری است. و بازی‌های ورزشی هنرهای نظامی باعث نیرومندی جسم، کسب مهارت و رشد قابلیت‌ها است.

-ذبح حیوانات و تدارک ولیمه با گوشت آنها که از سنت‌های نکاح است. و دیگر گونه‌های مباح که شرع اسلام مقرر فرموده است، اشکالی ندارد. پس باید دشمنان اسلام آگاه باشند و بدانند که مسلمانان در مناسبتهای شادی و مجالس عروسی، خشک‌طبع، درون‌گرا و خودخواه و خشن نیستند. بلکه

مسلمانان قومی هستند که در هنگام شادی، شادمان و شادی‌کنان و در وقت خوشی، شاد و با نشاط و سرحال‌اند. اما موقع مواجهه با مشکلات جدی و مصمم‌اند و مردانه در صحنه حاضر می‌شوند!! این است معنای توازن و تعادل و قرار دادن هر چیز سر جای خودش در زندگی...!

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**